

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و برزنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

حزب کار ایران (توفان) و یادداشت پورتال
۱۱ اکتوبر ۲۰۲۱

پاسخ به دو پرسش

پرسش: دوستان کوشا و محترم حزب کارایران (توفان)، ضمن سلام، مقالات جان دار و جانبدارانه و منطقی شما در مورد افغانستان را با دقت خواندم بسیار جالب بود. اما پرسش من این است آیا واقعاً چین سیستمی سوسیال امپریالیستی است و صدور سرمایه می کند؟ آیا حمله به چین و سرمایه داری ارزیابی کردن آن به نفع امپریالیسم اصلی یعنی امریکا نیست و زحمات شمارا ضایع نمی کند؟

پاسخ: دوست گرامی، بسیار مسروریم که مقالات توفان را به دقت مطالعه می کنید و ما را مورد نقد صمیمانه خود قرار می دهید. به طور مختصر به اطلاع می رسانیم که ما نظراتمان را در مورد سوسیال امپریالیسم شوروی در دو کتاب و دهها جزوه و مقاله منتشر کرده ایم و در مورد چین نیز از همان منبع الهام می گیریم. ما رشد سرمایه داری، بروز رویزیونیسم در حزب و تحولش به سوی سوسیالیسم در حرف و امپریالیسم در عمل را به طور مشخص ارزیابی می کنیم. سرمایه داری چین، دولتی و انحصاری است. ماهیت حزب حاکم دیکتاتوری بورژوائی و نه پرولتری است. ایدئولوژی حاکم بر حزب همه چیز هست جز مارکسیسم - لنینیسم. چین هم اکنون بسیاری از بازارهای امپریالیست ها را از چنگشان خارج کرده و برای این تسلط نیازی به جنگ جهانی نبوده است ولی این به مفهوم آن نیست که برای تقسیم مجدد مناطق نفوذ وضع به همین صورت بماند و امریکا به صلح و صفا به افول خود تن در دهد و رهبری چین را بپذیرد. چین هنوز آن قدرت نظامی را ندارد که از پس امریکا برآید ولی با سرعت خود را به آن مرحله نزدیک می کند. چین در پی خریدن فرصت است و به همین جهت هم از انترناسیونالیسم پرولتری دست کشیده است و تنها به منافع اقتصادی خویش در کشورها تکیه می کند. البته چین از یک برتری نسبت به امریکا برخوردار است که در درجه نخست به نظر نمی آید، در بسیاری از کشورهای جهان ما مناطق بزرگ چینی نشین داریم که حامی چین کنونی هستند این عده ارتش نهفته و خفته چین می باشند. حتی می شود همه نیروی کار چینی ها را در ممالک افریقائی و یا آسیائی به عنوان این لشکر خفته به حساب آورد که در زمان خود فعال خواهند شد. به نظر ما باید تحلیل مشخص را از شرایط مشخص کرد. چین به فکر منافع اقتصادی خود است که طبیعتاً از منظر حقوق بین الملل امر مشروعی است ولی به فکر انقلاب جهانی و حمایت از جنبش های آزادیبخش و مبارزات کارگری نیست. سال های دهه شصت برای چین به پایان رسیده است و این را شما مانند روز می بینید. نوع نفوذ چین در جهان و به ویژه افریقا و سه قاره نمی تواند با همان روش های

ورشکسته استعماری باشد که حتی به شکل استعماری شرکت‌های خصوصی با ارتش خصوصی بدل شده است. این روش برد ندارد و با اوضاع جهان نمی‌خواند.

ولی به نظر ما درگیری در این بحث فعلاً برای منافع ملی ایران و مبارزه طبقه کارگر ایران حاد نیست. به عکس ما باید امروز از پدید آمدن تضادهای موجود استفاده کنیم تا جاده ابریشم در ایران کشیده شود که ماهیت قراردادهای آن از جمله باز می‌گردد به نقش رژیم ایران که تا چه حد منافع ایران را در هنگام انعقاد قراردادها در نظر خواهد گرفت. برخورد ما به چین فعلاً در این کادر صورت می‌گیرد و تنها در بعضی مواقع به ماهیت چین نیز برخورد می‌کنیم که دوباره عده ای پیدا نشوند به دنبال روی بپردازند و بعد از شکست مجدد به دشمن مارکسیسم بدل شده و به ستایش امریکا دست زنند. موفق و پیروز باشید

پرسش: دوستان توفان، شما چگونه و به طور قاطع از شکست مفتضحانه امریکا در افغانستان سخن می‌گویند، مگر طالبان نیروی انقلابی و ضد امپریالیست است که با امریکا جنگیده باشد؟ آیا فکر نمی‌کنید که خود امریکا با برنامه خود را بیرون کشیده و قدرت را آگاهانه به طالبان تفویض کرده تا همچنان بر خرمداد سوار باشد؟ از پاسختان سپاسگزارم

پاسخ: دوست عزیز، شما متأسفانه این همه تحولات سیاسی و تغییرات ژئوپلیتیک را نمی‌بینید، شکست امریکا را نه تنها نمی‌بینید، بلکه این فرارمفتضحانه را تلویحاً یک پیروزی و پرشی به جلو در جهت تحکیم سرکردگی این ابر قدرت در جهان می‌بینید!! این برداشت شما، ذهنی، آلوده به تئوری توطئه و دوران واقعیات و فاکت‌های منتشر شده است. شما اساساً تضعیف و افول امریکا در جهان را نمی‌بینید. مگر ستراتیژی امریکا برای اشغال افغانستان انتقال لوله‌های گاز از آسیای میانه به افغانستان و بحیره عمان و از این طریق به اروپا و مهمتر از این محاصره نظامی چین و روسیه و ایران نبود؟ آیا این ستراتیژی قرین موفقیت شد، یا با شکست مواجه گردید؟ چین و روسیه به صراحت از شکست ستراتیژی امریکا سخن گفتند و بیرون کشیدن ارتش امریکا از افغانستان را به نفع ثبات افغانستان، مرزهای چین و روسیه و ایران و منطقه ارزیابی کردند.

اما روشن نیست شما براساس کدام اسناد و فاکت‌های معتبر این همه تحولات را با یک کلمه ساده عقب نشینی و تاکتیکی امریکا توجیه می‌کنید و همه چیز را بازی پشت صحنه سیاسی و جابه جایی نوکر توسط ارباب ارزیابی می‌نمایند! این تحلیل نیست، عدم درک صحیح از هدف اشغال نظامی افغانستان و ندیدن دلایل شکست و خروج مفتضحانه امریکا از خاک این کشور است. واقعیت این است امریکا بعد از بیست سال اشغال با ۴۵۰۰ کشته و دهها هزار مجروح و هزینه حدوداً ۳ هزار میلیارد دلار مجبور شد خاک افغانستان را ترک کند. ولی این به معنای دست برداشتن از خرابکاری نیست. طالبان مزدور و دست‌نشانده امریکا نیست. اگر چنین بود چرا علیه اربابش بیست سال جنگید چند هزار نفر از سربازان ارباب را کشت؟ آیا واقعاً خودتان به این چیزی که می‌نویسید باور دارید؟

ما مخالف اشغال افغانستان و سرنگونی رژیم ارتجاعی طالبان توسط ناتو بودیم و مبارزه تمام گروهائی را که خواهان بیرون ریختن ارتشهای متجاوز از خاک کشورشان بودند سوای ماهیت مذهبی یا غیر انقلابی و ارتجاعی از منظر عرف بین المللی و حقوق بین الملل امر درست و مشروعی می‌دانیم. مشکل افغانستان این بود و هست که نیروهای انقلابی در صحنه مبارزه ضد اشغال غایب بوده و هیچ نقش عملی علیه متجاوزان و خرویشان ایفا نکردند و لذا رهبری مقاومت علیه قوای خارجی در دست طالبان قرار گرفت.

حالا شما اگر در افغانستان در طی اشغال حضور داشتید چه می‌کردید ، شیوه مبارزه شما چگونه بود ، علیه طالبان اعلان جنگ می‌کردید و همزمان علیه قوای اشغال گر هم می‌جنگیدید؟ تاکتیک شما چه بود ؟ آیا با گفتن يك كلمه ارتجاعی یا مترقی و ضد امپریالیست می‌توانید به اینهمه مسائل پیچیده پاسخ دهید ؟ خوب است از آسمان به روی زمین سفت بایستید و منطقی به مسائل پیچیده سیاسی پاسخ دهید .حزب ما فرار و خروج ارتش امریکا از خاک افغانستان را مثبت ارزیابی می‌کند و از مبارزه خلق افغانستان علیه مداخلات امپریالیستی و کسب حقوق دمکراتیک و استقرار یک حکومت دمکراتیک حمایت می‌کند .حزب ما برانداختن حکومت مرتجع طالبان را وظیفه خلق افغانستان می‌داند و ما از این مبارزه مستقل دفاع می‌کنیم و نیروهای انقلابی و مترقی افغانستان باید فقط با اتکاء به نیروی خویش تکلیفشان را با ارتجاع داخلی روشن کنند.

با ما در تماس باشید، برایتان موفقیت آرزو داریم.

یادداشت:

تجربه ثابت نموده است که هر نوع حمله تجاوزکارانه و امپریالیستی بر کشوری که خلق آن در زیر چکمه های خونین و جنایتبار یک نظام ضد ملی، ارتجاعی، وابسته و جنایتکار در اسارت گرفته شده اند، همیشه سؤالی را خلق نموده که موضع نیروهای انقلابی در قبال چنان تجاوزی چه خواهد بود؟

پورتال "افغانستان آزاد-آزاد افغانستان" افتخار دارد اعلام دارد که در پاسخ به چنین سؤالی آگاهانه جواب داده است: به همان سان که نفرت بحق ما از ارتجاع داخلی به ما حق و اجازه نمی دهد، تا به مثابه پیاده نظام متجاوزان امپریالیستی وارد میدان مبارزه گردیده فرزندان خلق را به حمایت از تجاوزگر و در نتیجه خیانت به استقلال و آزادی ملی به قربانگاه ارتجاع بفرستیم، به همان سان شناخت انقلابی ما از ماهیت نفرت انگیز و غارتگرانه امپریالیسم و سیاست های تجاوزگرانه و غارتگرانه اش نیز به ما این حق و اجازه را نمی دهنده تا به دفاع از ارتجاع حاکم بر کشور خود پرداخته، فرزندان خلق را قربانی استقرار و استحکام دشمنان ملی و طبقاتی اش نموده آنها را به مسلخ استعمار روانه سازیم.

از همین رو پورتال "افغانستان ازاد-آزاد افغانستان" با شناختی که از هر دو طرف جنگ در طی ۲۰ سال اخیر داشته و معتقد بوده است که هیچ یک از آنها به منظور دفاع از افغانستان و مردم آن، آزادی ملی و دموکراسی به این جنگ وارد نشده اند بلکه هریک از آنها در صدد تأمین منافع ضد ملی و ضد انقلابی خود هستند، با نفی چنین جنگی ارتجاعی، کوشیده است تا در جهت رهنمونی نیروهای ملی و انقلابی و توده های میلیونی کشور برای ساختن ۳ سلاح خلق، و تبدیل این جنگ ارتجاعی به یک جنگ انقلابی دوران ساز و ظافیش را انجام دهد.

اداره پورتال "افغانستان آزاد-آزاد افغانستان"